

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیااده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

مراقبه‌ی شادی در روزهای عید

کلیدواژه‌ها: اهل‌بیت علیهم‌السلام معیار شیعه در شادی و در حزن؛ ابراز شادی میلاد امام زمان عجل‌تعالی با موسیقی و رقص؛ خشم اهل‌بیت علیهم‌السلام؛ لزوم سنخیت بین ابراز شادی ما و اهل‌بیت علیهم‌السلام؛ معرفت‌الامام.

در ایام بسیار خجسته‌ای به سر می‌بریم. ماه عظیم و لطیف و سرشار از عرفان شعبان را در فیوضات ربانی غوطه‌ور و از برکاتش بهره‌مندیم. ماه عظیمی که ماه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ماه شادی اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام است. ماهی که میلاد برجسته‌ترین چهره‌ها را در تاریخ آفرینش، در آغوش خود گرفته است؛ میلاد اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام، میلاد ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام، میلاد علی‌بن‌الحسین زین‌العابدین علیه‌السلام، میلاد علی‌اکبر، فرزند رشید اباعبدالله علیه‌السلام، میلاد حضرت بقیة‌الله‌الاعظم عجل‌تعالی و میلاد رقیة‌بنت‌الحسین علیه‌السلام، دختر دردانه‌ی اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام؛ همان ودیعه‌ای که در شام ویران بر جا ماند و قافله به کربلا و از آنجا به مدینه برگشت. به‌هرحال ماهی است سرشار از شادی و بهجت و هیچ حادثه‌ی غمباری در رابطه با اهل‌بیت علیهم‌السلام در ماه شعبان رخ نداده و روایت نشده است.

به‌مناسبت میلاد حضرت بقیة‌الله عجل‌تعالی نکته‌هایی را به اختصار عرض می‌کنم. در حوزه‌ی معرفت‌الامام، ما یک وظیفه‌ی شرعی غیرقابل اغماض داریم. یکی از واجبات بسیار بزرگی که هر شیعه‌ای از جانب

خدا بر خویش واجب می‌بیند، معرفت‌الحجّه است و ما وظیفه داریم که در مسیر معرفت امام عصر عجلت الله فرجه در همه‌ی سال فعال باشیم و تلاش کنیم. چقدر دردناک است که بعضاً انسان مشاهده می‌کند امام زمانی که در کلّ سال فراموش شده‌اند، مجالس دینی هم کمتر سخن و ذکری در جهت معرفت آن بزرگوار دارند، حتّی در نیمه‌ی شعبان هم که مجالس به‌طور خاص، به نام آن بزرگوار و به‌عنوان میلاد آن امام عظیم‌القدر تشکیل می‌شود، بعضاً می‌بینیم که غفلت عجیبی بر آن مجالس حاکم است. سبک و سیاق ما در این مجالس به‌جای اینکه ما را به‌سمت معرفت هرچه بیشتر حضرت و جلب رضایت آن بزرگوار پیش ببرد، به‌سمت غفلت و آنچه موجب کراهت و نارضایی آن بزرگوار است، سوق می‌دهد؛ مجالسی که رنگ و بویی از اهل‌بیت علیهم‌السلام ندارد. صورت ظاهرش شادمانی است؛ اما فی‌الواقع شادمانی به‌صورتی که موجب خشم و موجب آزردن خاطر اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌شود.

امیدواریم کمی به خودمان بیاییم و بدانیم معیار شیعه در شادی و در حزن، اهل‌بیت علیهم‌السلام هستند. بینیم پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل‌بیت بزرگوارشان در ایامی که شاد بودند، چگونه شادی می‌کردند؟ آیا آنها هم مثل ما با موسیقی و تار و تنبور و ساز و کف زدن‌ها و سوت کشیدن‌ها و با این رفتارها، شادی قلبی خودشان را اظهار می‌کردند؟ اگر ما شیعه‌ایم، اگر ما مدّعی پیروی اهل‌بیتیم، اگر مدّعی هستیم که دوستدار آنهایم، باید شباهت و سنخیتی بین ابراز شادی‌های ما و ابراز شادی اهل‌بیت علیهم‌السلام وجود داشته باشد. شب نیمه‌ی شعبانی که شب مناجات است، شب خلوت و شب اشک و آه‌های عاشقان است، شب دعای کمیل است به‌طور خاص، و مضامین دعای کمیل را می‌دانید چیست، این شب را تبدیل کنیم به مجلس ضرب و تار و تنبور و پایکوبی و رقصیدن؟! واقعاً چه تناسب و سنخیتی دارد؟ به کجا داریم می‌رویم؟! در همین ماه در صلوات شعبانیّه مگر نخواندیم **الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ**

زَاهِقٌ وَ اللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ؟! ملازمت با اهل بیت علیهم السلام در همه‌ی جنبه‌های ظاهری و باطنی شرط لحوق و شرط واصل شدن است. شادی، بسیار ارزشمند است؛ اما این شادی باید در قواره‌ای ابراز شود که قلب اهل بیت علیهم السلام را شاد کند؛ نه اینکه با آزردن خاطر آنها، شادی میلاد آنها را ابراز کنیم. یقیناً قلب مقدّس امام زمان علیه السلام از معصیت خشنود نمی‌شود. یقیناً این‌گونه جشن گرفتن‌ها، موجب تقرّب انسان به اهل بیت علیهم السلام نمی‌شود. انسان از راه جلب رضایت شخص می‌تواند به او نزدیک شود، نه از راه انجام آنچه موجب خشم اوست. گرچه آنها بزرگوارند و بر ما سخت نمی‌گیرند، اما ما تا کی می‌خواهیم در دوران جاهلیّت به سر بریم؟ بله، اهل بیت علیهم السلام کریمند؛ بزرگوارند؛ بر ما خشم نمی‌گیرند؛ ما را نمی‌رانند؛ اما حیف نیست که ما به‌گونه‌ای رفتار کنیم که آنها غم خودشان را، رنج و آزرده‌گی خودشان را در درون مخفی کنند و در ظاهر به ما لبخندی هم بزنند؟ چرا کاری نکنیم که آنها با همه‌ی وجود از شادمانی کردن‌های ما به‌مناسبت میلادشان شاد باشند؟

علی‌ای‌حال، امیدواریم خدای متعال لااقل در میلاد امام عصر ارواحنا، در این فرصت بی‌نظیری که در طول سال، دیگر شبیهی برایش نیست، به ما درک و معرفتی بدهد که در جهت شناخت بیشتر و نزدیک‌تر شدن بیشتر به آن بزرگواران، از آن استفاده کنیم. همان‌طور که در صلوات شعبانیّه هست، طاعت و ولایت آنها را پیشه کنیم؛ استنان به سنت آنها را پیشه کنیم؛ نه با بدعت؛ نه اینکه بخواهیم با آنچه ریشه‌ای در دین ندارد، به گمان خودمان سیر و سلوک کنیم. اگر تار و تنبور و ضرب و موسیقی و رقص صوفی‌گرانه در تقرّب الی‌الله نقشی داشت، یقیناً پیغمبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌کردند.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۶۷؛ محدّث قمی، مفاتیح‌الجنان، صلوات شعبانیّه؛ حرّعاملی، اثبات‌الهداه، ج ۲، ص ۱۳۱ و

سیّدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۷.

ابزارها دوگونه است؛ یک سری ابزارهایی است که در زمان اهل بیت علیهم السلام نبود. فرض کنید این میکروفن در زمان اهل بیت علیهم السلام نبود؛ حالا اینکه اهل بیت علیهم السلام از میکروفن استفاده نکردند، دلیلی بر این نیست که چیز مجازی نباشد. اما آنچه در زمان اهل بیت علیهم السلام وجود داشت و اهل بیت علیهم السلام از آن استفاده نکردند، نشان می‌دهد اقلش این است که تأثیر مثبتی ندارد و چه بسا تأثیر مخربی دارد. احدی از شیعه و سنی نقل نکرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یا اهل بیتشان یک کنسرت موسیقی در مسجدالنبی دعوت کرده باشند و بگویند شما با دف و تار و سه تار و سی تار، موسیقی عرفانی بنوازید و ما یک حالی کنیم و به قرب الهی نزدیک شویم! احدی این را نقل نکرده است. اینها بدعت‌هایی است که صوفیه در میان آوردند و بعضاً دیگران هم نادانسته تبعیت کردند. یقین بدانید اگر موسیقی تأثیری در نزدیک شدن به خدای متعال داشت، خدا در قرآن توصیه می‌کرد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت بزرگوارشان توصیه می‌کردند و خودشان از آن استفاده می‌کردند. الان نمی‌خواهم وارد بحث موسیقی شوم.

وقتی که سرمان را به چیزهایی که در عالم ظاهر است گرم می‌کنیم، از آن حقایقی که در عالم باطن است، باز می‌مانیم. این یک نکته کلی است که خدمتتان عرض می‌کنم. وقتی مشغول شدیم به صورت‌هایی که در عالم پایین است، از آن حقایقی که اینها نازلهی آن صورتهاست باز می‌مانیم. اصلاً صرف نظر از بحث حرمت و حلیت شرعی و فقهی موسیقی، کسی که به موسیقی‌های ظاهری مشغول می‌شود، از آن موسیقی‌های ملکوتی محروم می‌شود؛ حالا می‌خواهد موسیقی حلال باشد یا حرام. گفت: صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی! اگر می‌خواهید به آن نغمه‌های ملکوتی راه پیدا کنید و گوش دل شما با آنها آشنا شود، راهش این است که گوش را از این موسیقی‌های پایین ببندید. همه‌ی چیزهای جذابی که در جنبه‌های ظاهری وجود دارد، یک اصلی در عالم بالا دارد. همه‌ی چیزها، خوراکی‌های لذیذ و نوشیدنی‌های گوارا، زیبارویان عالم ظاهر، همه‌ی اینها سایه‌ای از حقایقی در عالم بالا هستند. کسانی که به این سایه‌ها مشغول شوند، اصلاً گفتم در این بحث کاری به اینکه حلال یا

حرام است ندارم، هرکس به این ظواهر مشغول شد، از آن حقایق بازماند و محروم شد. ضمن اینکه بحث موسیقی، بحث مفصلی است.

امیدوارم خدا به ما توفیق دهد لااقل از این فرصت، گرچه همه‌ی مجالس ما در همه‌ی سال می‌بایست مشحون از بحث معرفت‌الحجّه باشد، ولی لااقل در این مناسبت به‌جای معرفت‌الحجّه به آزدن حجّت خدا أَرْوَاهُ مشغول نشویم؛ به رنجاندن قلب شریف آن بزرگوار نپردازیم؛ به دورکردن خودمان از ساحت قدس مهدوی أَرْوَاهُ نپردازیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ